

نامهٔ دکتر باستانی پاریزی به دکتر محمود افشار*

پنجم خردادماه ۱۳۶۰

... جلد اول «افغان‌نامه» که نزدیک هفتصد صفحه است زیارت شد. توضیح در باب این کتاب طی یک مقاله و دو مقاله ممکن نیست. فعلاً من باب وصول کتاب عرض می‌کند که کتاب جنابعالی در حلقهٔ ارتباطات ایران و همسایگان می‌تواند حلقهٔ اتصال یا درهٔ العقد محسوب آید، خصوصاً دولت افغانستان که اکنون در آستانهٔ تحوّل کلی است و مخصوصاً در ایران که اطلاع ما از افغانها از حوزهٔ نظریات تند و تعصب‌آمیز مرحوم مهدی فرخ تجاوز نمی‌کند و ارتباطات منحصر به قاچاق و عبور غیرمجاز شده بوده است و فرهنگ در بوتۀ فراموشی قرار گرفته و آنجا هم که اظهار نظر می‌شد از شعری تجاوز نمی‌کرد...

افغان ز تو آفت دل و جان افغان

در کتاب «افغان‌نامه» مثل همهٔ آثار جنابعالی دریای احساسات و عواطف و عشق و شوق پیوستگی و همبستگی مثل همیشه موج می‌زند. مخلص این افتخار را دارد که از پنجاه سال پیش با شما و مجلهٔ آیندهٔ شما آشناست. به خاطر دارم که با وجود صغر سن، مجلهٔ آینده را که تنها نسخهٔ آن

*. ناموارهٔ دکتر محمود افشار، ج ۱۰، ص ۶۱۴۵.

توسط آقای صفاری به (پاریز) می‌رسید می‌دیدم و می‌خواندم و پدرم شرح و توصیف می‌کرد. سیل ۱۳۱۱ که آمد اطاق ما را هم فرا گرفت و تا طاقچه بالا رفت و یکی از شماره‌های آینده را که در فروکش سیل به دست آوردم هنوز دارم. خاک ۱۳۱۱ بر صفحات آن هنوز نشسته است. بعد از شهریور هم و امروز هم این تنها آینده است که به همت شما و فرزندان شما نقطه امید در دل فرزندان معارف‌پرور و معارف‌دوست مملکت نشان می‌دهد و شعله‌ای روشن نگاه می‌دارد.

من امیدوارم که جلدهای مکرر این مجموعه نفیس هرچه زودتر از چاپ درآید و در آخر آن فهرست‌های لازم نیز گنجانیده شود. توفیق جنابعالی و ایرج و بابک را در انجام این مهم از خداوند خواستارم.

ارادتمند - دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

باستانی پاریزی